



یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامک نژاد

تبارک و تعالی نداشته، نعمت‌های الهی است که شامل افراد مؤمن و صالح می‌گردد. خداوند یکتا دارای مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین بوده، هر چه را بخواهد و اراده کند، می‌آفریند. این را هم باید در نظر داشته باشیم، حتی اراده خداوند بر این مسأله قرار گرفته که به هرکس بخواهد دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد پسر می‌دهد. از این رو، قرآن مجید برای نشان دادن این واقعیت که هر گونه نعمت و رحمت در این عالم از سوی خدا است و کسی از خود چیزی ندارد، به یک مسأله کلی و یک مصداق روشن اشاره کرده و می‌فرماید که

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ
الذَّكُورَ (آیه ۹۴ سوره شوری)

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است. هر چه را بخواهد می‌آفریند. به هرکس اراده کند دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد پسر می‌دهد.

یادآوری

خداوند تبارک و تعالی قادر مطلق بوده، هر چیزی که به انسان می‌رسد، از جانب او است. هیچ کس اراده‌ای بدون خواست خداوند

قبل مشاهده فرمودید، صحبت از این مطلب بود که به هر کس بخواهد دختر می‌دهد، به هر کس هم اراده نماید، پسر عنایت می‌فرماید.

بنابراین، در ادامه آیه قبل، مطلب را کامل کرده و چنین بیان می‌دارد که اگر خداوند بخواهد و اراده کند، پسر و دختر، هر دو را برای انسان جمع می‌کند. در حقیقت، آیه می‌خواهد چنین عنوان نماید که این مطلب که کسی صاحب فرزندان دو قلو شود نیز، اراده و خواست خداوند تبارک و تعالی است. این را هم اضافه می‌نماید که اگر بخواهد، افرادی را عقیم می‌گذارد. دلیل آن هم این است که پروردگار یکتا، دانا و قادر است.

مطلب مهم این است که هیچ کس، نه در زمان‌های گذشته و نه امروز که علوم و دانش‌ها پیشرفت فراوان کرده، قدرت انتخاب در این مسأله را ندارد و علی‌رغم تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها، هنوز کسی نتوانسته است عقیم‌های واقعی را فرزند بخشد و یا نوع فرزند را طبق تمایل انسان تعیین کند. اگر چه نقش بعضی از غذاها و داروها را، نمی‌توان در افزایش احتمال تولد پسر یا دختر انکار کرد، باید دانست که این‌ها فقط احتمال را افزایش می‌دهند و نتیجه هیچ یک از آن‌ها قطعی نیست. از این رو، باید در نظر داشته باشیم که این یک نمونه بارز از عدم توانایی انسان از یک‌سو و نشانه‌ای روشن از مالکیت و حاکمیت و خالقیت خداوند از سوی دیگر است و مثال زنده و آشکاری می‌باشد (دوشنبه ۹۹/۱۰/۲۹).

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین برای خدا است و هر چه بخواهد می‌آفریند.

به همین دلیل است که همه افراد نوع بشر، برخوردار از خوان نعمت او هستند و نیازمندان نیز، از لطف و رحمت او بهره می‌گیرند. از این رو، نه غرور به هنگام نعمت‌های الهی منطقی است و نه یأس و ناامیدی به هنگام مصیبت شایسته می‌باشد.

نمونه روشنی از این واقعیت که هیچ کس از خود چیزی ندارد و هر چه هست از ناحیه او است، این که به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هر کس اراده کند، پسر می‌دهد. این مطلب واقعیتی انکار ناپذیر را بازگو می‌کند که اگر چیزی از خدا می‌خواهیم، باید توجه داشته باشیم که مصلحت را در نظر گرفته، بدانیم که آن چه که خیر است از جانب خدا می‌آید و شاکر داده‌های او باشیم (یکشنبه ۹۹/۱۰/۲۸).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و یُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاُنثٰی وَا یَجْعَلُ مَن یَّشَآءُ عَقِیْمًا اِنَّهُ عَلِیْمٌ قَدِیْرٌ (آیه ۵ سوره شوری)

یا (اگر بخواهد) پسر و دختر (هر دو) را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد، زیرا او دانا و قادر است.

یادآوری

باز هم صحبت از قدرت لایزال الهی بوده، مسأله دختر دادن، یا پسر عنایت کردن را به افراد بشر، گوشزد می‌کند. همان گونه که در آیه

نخست می‌فرماید: شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن بگوید و با او رو به رو گردد، چرا که او منزله از جسم و جسمانیت است. این ارتباط تنها از طریق وحی و الهام مرموز به قلب او، یا شنیدن سخنان پروردگار از پشت حجاب است.

این مطلب در واقع آن‌گونه است که حضرت موسی (ع) در کوه طور سخن می‌گفت و پاسخ می‌شنید. این مسأله از طریق امواج صوتی که خداوند در فضا ایجاد می‌کند، بی آن که کسی او را مشاهده کند، چرا که او مشاهده کردنی نیست. یا از طریق فرستادن رسولی که پیام الهی را به او ابلاغ نماید. این مطلب دقیقاً مثل آن است که فرشته وحی و پیک الهی، یعنی جبرئیل امین بر پیامبر (ص) نازل می‌شد (سه‌شنبه ۳۰/۱۰/۹۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا
مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ
وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن
نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَأَنْتَ لَتَهْدِي إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آیه ۲۵ سوره شوری)

همان‌گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم. تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن، هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم و تو مسلماً به

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن
وَرَأْيِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذِنِهِ مَا
يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ (آیه ۱۵ سوره شوری)

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آن چه را بخواهد وحی می‌کند، چرا که او بلند مقام و حکیم است.

یادآوری

بعضی از مفسران، شأن نزولی برای این آیه ذکر کرده‌اند که حاصل آن چنین است. جمعی از یهود خدمت پیامبر (ص) آمدند و عرض کردند: چرا تو با خداوند سخن نمی‌گویی و به او نگاه نمی‌کنی؟ اگر پیامبر هستی، همان‌گونه که حضرت موسی (ع) با او سخن گفت و به او نگاه کرد، تو نیز چنین کن. ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر این که همین کار را انجام دهی!

پیامبر (ص) فرمود: حضرت موسی (ع) هرگز خدا را ندید.

اینجا بود که آیه فوق نازل شد و چگونگی ارتباط پیامبران را با خداوند تبارک و تعالی تشریح کرد.

همان‌گونه که در آیات گذشته این سوره، از نعمت‌های الهی سخن در میان بود، این آیه، از مهم‌ترین نعمت‌های پروردگار و پربارترین مواهب او برای جهان انسانیت که همان مسأله وحی و ارتباط انبیاء با خدا است، سخن می‌گوید.

سوی راه راست هدایت می‌کنی.

یادآوری

آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن، هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم. این لطف خدا بود که شامل حال تو شد و این وحی آسمانی بر تو نازل گشت و ایمان به تمام محتوای آن پیدا کردی. به همین دلیل است که تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی (چهارشنبه ۹۹/۱۱/۱).

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، در آیه قبل بحثی کلی و عمومی در باره وحی بیان گردید. در این آیه، بحث از نزول وحی بر شخص پیامبر گرامی اسلام (ص) است و چنین می‌فرماید که همان‌گونه که بر پیامبران پیشین، از طرق مختلف وحی فرستادیم، بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم. تعبیر به کذالک (این‌گونه) ممکن است اشاره به این باشد که تمام انواع سه‌گانه وحی که در آیه قبل آمده، برای پیامبر اسلام (ص) تحقق یافته است. گاه مستقیماً با ذات پاک پروردگار ارتباط می‌یافت. گاه از طریق فرشته وحی و گاه با شنیدن آوازی شبیه امواج صوتی ارتباط برقرار می‌شد. از این رو، در روایات اسلامی نیز اشاره به همه این‌ها شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
الْأَلِيِّ اللَّهِ تَصْيِيرَ الْأُمُورِ (آیه ۳۵ سوره شوری)

راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آن او است. آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا باز می‌گردد.

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، در انتهای آیه قبل خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین فرمود که تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.

در این که منظور از «روح» در اینجا چیست؟ دو قول در میان مفسران دیده می‌شود. نخست این که منظور از آن، قرآن مجید است، که مایه حیات دل‌ها و زندگی جان‌ها است. این قول را غالب مفسران برگزیده‌اند. تفسیر دوم این که، منظور روح‌القدس است و یا فرشته‌ای که حتی از جبرئیل و میکائیل برتر بوده و همواره پیامبر اسلام (ص) را همراهی می‌کرد.

از این رو، در این آیه به‌عنوان تفسیری بر صراط مستقیم یا همان راه راست چنین می‌افزاید که راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن او است. چه راهی مستقیم‌تر از راهی است که به مبدأ عالم هستی منتهی می‌شود؟ چه راهی صاف‌تر از راهی است که به خالق عالم هستی می‌رسد؟

سعادت واقعی، سعادت است که خدا به آن دعوت می‌کند و راه وصول به آن،

به هر حال، در دنباله آیه می‌افزاید: تو پیش از این، از کتاب و ایمان آگاه نبودی، ولی ما

ظالمان و گناه کاران، که بازگشت همه آن‌ها به سوی خدا است.

ضمناً این جمله دلیلی است بر این که وحی باید تنها از سوی خدا باشد، چرا که بازگشت همه اشیاء و تدبیر آن‌ها به سوی او است. به همین دلیل او باید مبدأ وحی بر پیامبران باشد، تا هدایت واقعی صورت گیرد. به این ترتیب، صدر و ذیل این آیه با یک دیگر مربوط و منسجم است و پایان سوره نیز با آغاز آن و خط کلی حاکم بر آن هماهنگ است.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا مطیع اوامر الهی باشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج راست‌گویی و امانت‌داری بوده، اجتماع و مردم را از تزویر و ریا، بر حذر دارند (پنج‌شنبه ۹۹/۱۱/۲).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم‌به‌خیر.
التماس دعا.

تنها راهی است که او برای آن انتخاب کرده است.

آخرین جمله این آیه که در عین حال، آخرین جمله سوره شوری است، در حقیقت دلیلی است برای این معنی، که راه مستقیم تنها راهی است که به سوی خدا می‌رود و چنین می‌فرماید که آگاه باشید که بازگشت همه چیز به سوی خدا است.

از آن جا که او مالک عالم هستی و حاکم و مدبر آن است و از آنجا که برنامه‌های تکاملی انسان باید تحت عنایت این مدیر بزرگ قرار گیرد، بنابراین، راه مستقیم، تنها راهی است که به سوی او می‌رود و جز این راه، هر طریق دیگری انحرافی است، چرا که به سوی باطل است.

این جمله در عین حال، بشارتی است برای پرهیزگاران و تهدیدی است برای